

چطور زندگی کنیم؟

از سعدی پرس

یک سؤال و صد و ده جواب از سعدی دربارهٔ زندگی

چطور زندگی کنیم؟

از سعدی پیرس

یک سؤال و صد و ده جواب از سعدی دربارهٔ زندگی

دکتر علی صاحبی

دکتر مرتضی رزاق پور

سرشناسه: صاحبی، علی، ۱۳۴۳-
Sahebi, Ali
عنوان قراردادی: کلیات، برگزیده
عنوان و نام پدیدآور: چطور زندگی کنیم؟ از سعدی بیرس: یک سوال و صد و ده جواب از سعدی درباره زندگی / علی صاحبی، مرتضی رزاق پور.
مشخصات نشر: تهران: انتشارات اسبار، ۱۴۰۵.
مشخصات ظاهری: ۲۵۴ ص.
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۷۹۳۹-۷۸-۱
وضعیت فهرست‌نویسی: فیا
عنوان دیگر: یک سوال و صد و ده جواب از سعدی درباره زندگی.
موضوع: سعدی، مصلح بن عبدالله، - ۶۹۱ق -- معلومات -- روان‌شناسی
Sa'di, Mosleh-ibn Abdollah -- Knowledge -- Psychology
راه و رسم زندگی / Conduct of life / کلیات -- نقد و تفسیر
Koliat -- Criticism and interpretation
شعر فارسی -- قرن ۷ق. -- تاریخ و نقد
Persian poetry -- 13th century -- History and criticism
روان‌شناسی و ادبیات
Psychology and literature
شناسه افزوده: رزاق پور، مرتضی، -۱۳۴۵
رده‌بندی کنگره: PIR۵۲۱۵
رده‌بندی دیویی: ۸۱۳/۳۱
شماره کتابشناسی ملی: ۱۴۹۵۵۲۴
اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیا



نشر اسبار

چطور زندگی کنیم؟

از سعدی بیرس

یک سوال و صد و ده جواب از سعدی درباره زندگی

ناشر: اسبار

تیراژ: ۴۳۰ نسخه

چاپ اول: تابستان ۱۴۰۵

ناظر چاپ: کریم افروزمند

صفحه‌آرا و طراح جلد: محمد رحیم‌نواز

چاپ و صحافی: پردیس دانش

فروشگاه و دفتر مرکزی: خیابان سهروردی شمالی، خیابان شهید قندی، کوچه دوم، پلاک ۹

تلفن: ۸۸۵۱۲۶۸۸ - ۸۶۰۴۵۶۲۵

فروش اینترنتی: www.asbarpub.com



برای دیدن قیمت اسکن کنید

تقدیم به دانشی مرد آزاده

زنده یاد دکتر اصغر دادبه

فهرست

پیشگفتار اول	۹
پیشگفتار دوم	۱۱
فصل اول: نقد خود	۱۷
فصل دوم: در ضرورت ریشه‌کن کردن عادات زشت و آسیب‌زا	۵۳
فصل سوم: در فضیلت فرهیختگی	۱۴۱
فصل چهارم: در فضیلت شفقت‌ورزی	۱۷۷
فصل پنجم: به سوی رشد و شکوفایی	۲۳۳

پیشگفتار اول

قصه تولد این کتاب به اتفاقی ساده برمی‌گردد. من (علی صاحبی) مشغول آماده‌سازی ویراست دوم کتاب بر دریاکنار مثنوی بودم که به تکبیت‌هایی در مثنوی برخوردم که هر کدام به تنهایی گوهر درخشانی مملو از معنا و تأمل و خویش‌نگری بود. همزمان به یاد کتابی از مونتنی افتادم که چند سال پیش خانم دکتر مریم تقدسی آن را با عنوان چطور زندگی کنیم؟ از مونتنی پیرس ترجمه کرده بود. این کتاب، کتابی است بغایت دلچسب، اثرگذار و عمیق. این یادآوری، من را به این فکر انداخت که همین سؤال را از مولانا بپرسم: «چطور زندگی کنیم؟».

به نظرم آمد که با تمام معضلاتی که زندگی مدرن و عصر دیجیتال برای ما به ارمغان آورده است، که مهم‌ترین آنها تنهایی و شتابزدگی در تمام شئون زندگی است، اگر امروز به آثار مولانا مراجعه کنیم و از او بپرسیم «چطور زندگی کنم؟»، او چه پاسخی می‌دهد؟ از این رو بر آن شدم تا این بار با چنین نگاهی بر دریاکنار مثنوی قدم بزنم. از آنجا که دکتر مرتضی رزاقپور، در انجام پروژه «بر دریاکنار مثنوی» همانند استادی راهنما در کنار من حضور داشت، در میانه راه پروژه «از مولانا بپرس» نظر او را - به عنوان یک سعدی‌پژوه - درخصوص انجام همین پروژه با سعدی و فردوسی پرسیدم و ایشان نیز با رویی گشاده و سخاوتمندانه پذیرفتند که دو پروژه سعدی و فردوسی را با هم انجام دهیم. نتیجه این همکاری اینک در اختیار شماست.

ساختار کتاب بدین‌گونه است که با سیری در بوستان و گلستان از سعدی پرسیدیم: «چطور زندگی کنیم؟» و پاسخ‌های سعدی را استخراج کرده و آنها را در پنج گروه زیر دسته‌بندی کردیم:

۱. نقد خود.
 ۲. در ضرورت ریشه‌کن کردن عادات زشت و آسیب‌زا.
 ۳. در فضیلت فرهیختگی.
 ۴. در فضیلت شفقت‌ورزی.
 ۵. به سوی رشد و شکوفایی.
- هر یک از این عناوین، حاوی مقولات جزئی‌تری هستند که ذیل آنها قرار گرفته است. آوردن معنای کلمات دشوار و عبارات پیچیده‌تر برای خوانندگانی که به شکل عمیق با شیوه‌های بیان ادبی آشنا نیستند ضروری به نظر می‌رسید. از این رو کوشیدیم در این مسیر، این خوانندگان را از مراجعه به فرهنگ لغت و شرح‌های متون ادبی بی‌نیاز کنیم. در برخی موارد نیز حکایات سعدی و ابیات وی نیاز به شرح کوتاهی داشت که برای آشنایی خواننده به فضای فکری و اندیشه سعدی لازم به نظر می‌رسید. گاهی نیز نیم‌نگاهی به دیدگاه‌های فلسفی و جامعه‌شناختی مرتبط با موضوع داشته‌ایم و از منظر روان‌شناسی به پاسخ‌های سعدی پرداخته‌ایم و در نهایت با ارائه چندین پرسش و تمرین تأملی تلاش کردیم خوانندگان را در این فرایند، مشارکت دهیم و پاسخ‌های حکیمانه سعدی را در عمل محقق کنیم. امیدواریم این کار کوچک پنجره‌ای باشد به افق‌های چشم‌نواز میراث ادب فارسی و بتواند نسل جوان ما را در این زمانه عسرت، با سرچشمه‌های معرفت انسانی آشنا کند.

علی صاحبی

پیشگفتار دوم

ایران سرزمین محبوب ما چونان مسافری که قرن‌ها و هزاره‌ها را پشت سر نهاده و با چشمانی روشن و تیزبین جهانی سرشار از حوادث گوناگون را مشاهده کرده است، امروز نزد ما آرام گرفته تا راوی قصه‌های شگرفی باشد که نیاکان خردمندان از سر گذرانده‌اند. این مسافر «سالخورد جاودان مانند»، با زخم‌هایی بر پیکر و دستانی مهربان، کوله‌بار تجربیاتش را سخاوتمندانه در برابر ما می‌گشاید، کوله‌باری که گنجینهٔ ادب و فرهنگ و دانش و اخلاق و سیاست‌ورزی نیاکان ما را در دل خود نهان کرده است.

این میراث که عصارهٔ تجربهٔ گذشتگان ما در مسیر تاریخ است، چراغ راه ماست برای ساختن آینده‌ای عاری از خطاها و اشتباهات و کژروی‌های خطرناک جاهلانه. برای ساختن فردایی بهتر، هیچ سرمایه‌ای والاتر و گران‌سنگ‌تر از این موهبت اجدادی نیست.

در جامعه‌ای که به دلایل گوناگون، نهال فلسفهٔ نظری به معنای متداولش پا نگرفته است، این شاعران حکیم و نویسندگان خردمند ما بوده‌اند که بار اندیشیدن را به دوش کشیده و محصول خرد و اندیشهٔ این سرزمین را به جامعهٔ هنر و زیبایی آراسته‌اند. به هنر آراسته‌اند تا جاودان بماند و به پایداری نسل‌های دلسوز و فرهیخته، چونان هدیه‌ای مقدس به دست تاریخ سپرده شود. فردوسی، نظامی، سنایی، عطار، مولوی، سعدی، حافظ، عنصرالمعالی، خواجه، خواجه نصیر، سهروردی، خواجه نظام‌الملک و دیگران میراث‌داران این دستاورد انسانی و معنوی‌اند که در آینهٔ آثارشان باید به جستجوی نکات و ظرافتی در زندگی فردی و جمعی بود و در ساختن جامعه‌ای مبتنی بر اخلاق و عقلانیت از آنها یاری جست.

اگر جامعهٔ ما به شعر و ادبیات صرفاً از جنبهٔ احساسی و زیباشناختی نظر نمی‌کرد،

اکنون باید بزرگترین مراکز علمی جهان در اینجا یافته می‌شد؛ چرا که فردوسی با تکیه بر گذشته ایران گفته بود که رسیدن به کشوری قدرتمند و مقتدر در گرو دانایی است:

توانا بُود هر که دانا بُود

ز دانش دلِ پیر بُرنا بُود

و نیز

بیاموز و بشنو ز هر دانشی

که یابی ز هر دانشی رامشی

اگر ادبیات را به منزلهٔ محملی برای میراث تجربی نیاکان مان تلقی می‌کردیم، اکنون شادترین کشور جهان بودیم؛ زیرا آن بزرگ‌مرد این نکته را از زبان بهرام، پادشاه ساسانی، یادآور شده بود که:

چو شادی بکاهد، بکاهد روان

خرد گردد اندر میان ناتوان

اگر این سخن ناصر خسرو قبادیانی را جدی می‌گرفتیم، اکنون می‌بایست سفینه‌های فضایی از این کشور برای فتح آسمان و کرات دیگر پرواز می‌کردند:

درختِ تو گر بارِ دانش بگیرد

به زیر آوری چرخِ نیلوفری را

عرصهٔ سیاست این سرزمین پیوسته محل نزاع سیاستمداران معرکه‌گردانی بوده است که نمی‌توانسته و نخواسته‌اند شایسته‌تر از خود را بر صدر بینند و به قیمت ویران شدن این سرزمین، مردان باکفایت و کاردان را به اشکال گوناگون از میدان سیاست بیرون می‌رانده‌اند. این شومی ویرانگر، ناشی از جهلی بود که یکی از سخنگویان این فرهنگ، یعنی سعدی، ما را به شدت از آن برحذر داشته است:

به قدرِ هنرِ جست باید محل
بلندی و نحسی مکن چون زُحل

و ملای روم از گوشهٔ مدرسه خویش خطاب به تاریخ می‌گفت:

کسی کاو را بُود در طبع سستی
نخواهد هیچ کس را تندرستی

اما چه می‌توان کرد؟ وجه زیبایی‌شناختی این آثار چنان ما را مسحور کرده بود که این حکایت سعدی را خواندیم، اما به لذت هنری ناشی از آن بسنده کردیم و با خود نگفتیم اگر اندیشهٔ نهفته در آن را به کار بندیم ظلم و ستم رنگ می‌بازد و این سرزمین مدام عرصهٔ انقلاب‌ها و شورش‌های جانسوز نخواهد بود:

مردم‌آزاری را حکایت کنند که سنگی بر سرِ صالحی زد. درویش را مجالِ انتقام نبود.
سنگ را با خود همی داشت تا وقتی مَلِک را بر آن لشکری خشم آمد و او را در چاه
کرد. درویش درآمد و سنگش در سر انداخت.

گفتا: تو کیستی و مرا این سنگ چرا زدی؟

گفت: من فلانم و این همان سنگ است که در فلان تاریخ بر سر من زد.

گفت: چندین وقت کجا بودی؟

گفت: از جاهت می‌اندیشیدم. اکنون که در چاهت دیدم، فرصت غنیمت شمردم.

افسوس که این حرف صوفیانهٔ حافظ را شنیدیم و به کار نیستیم:

یک حرفِ صوفیانه بگویم اجازت است؟

ای نورِ دیده صلح به از جنگ و داوری

از این نمونه‌ها در گنجینهٔ ادب و فرهنگ ایران کم نیست و هر یک چونان گوهری
درخشان در کتابخانه‌ها به انتظار روزی نشسته‌اند که مردم به قصد رستاخیز علمی و

معنوی به سراغ آنان بروند.

این کتاب کوششی است برای آشنا شدن با میراثی که با تکیه بر آن، نسل امروز می‌تواند اندیشه خود را بازسازی کند و در مکتب بزرگان این دیار کهن، رسم و راه درست زیستن را بیاموزد و به کار بندد. سعدی به ما توصیه کرده است که:

دو کس رنج بیهوده بردند و سعی بی‌فایده کردند:
یکی آن که اندوخت و نخورد و دیگر آن که آموخت و نکرد.

علم چندان که بیشتر خوانی
چون عمل در تو نیست نادانی

نه محقق بُود نه دانشمند
چارپایی بر او کتابی چند

آن تهی مغز را چه علم و خبر
که بر او هیزم است یا دفتر

ما هنوز در آغاز راهیم و قصد داریم تا چنین حرکت مسئولانه‌ای را ادامه دهیم و با معرفی و تبیین آثار ادبی و تلفیق آن با دستاوردهای سترگ روان‌شناسی، از بزرگان این سرزمین کهن بپرسیم چطور زندگی کنیم تا زندگی‌ای زیبا و دنیایی آباد و اخلاقی پیراسته و خردی سنجش‌گر را سامان دهیم. در این کتاب، یک سؤال را از سعدی پرسیدیم و او در قامت آموزگاری زیرک و هوشیار به پرسش‌مان پاسخ‌های حکیمانه داده است. امیدواریم خوانندگان با خواندن و به کار بستن آنها گره‌های زندگی فردی و جمعی خود را بگشایند و قدردان او و این فرهنگ سرشار باشند. سعدی گفته بود کافی است که یک مورد از سخنان را به کار بندید تا سرنوشتی سعادت‌بار را برای خود و جامعه رقم بزنید:

اگر در سرای سعادت کس است
ز گفتارِ سعدیش حرفی بس است

همینت بسنده‌ست اگر بشنوی
که گر خار کاری سمن نَدَروی

برای این شاگرد کوچک افتخار بزرگی است که در کنار یکی از باذوق‌ترین دانشمندان و روان‌شناسان ایران‌زمین، دکتر علی صاحبی، عهده‌دار بخش ناچیزی از این تألیف بوده است. بی‌گمان این فرصتی است که سعی خواهم کرد آن را غنیمت بشمارم و در محضر این دانشی‌مرد ادب‌دان نکات بسیاری بیاموزم. اذعان می‌کنم که مهم‌ترین بخش‌های این کتاب دستاورد قلم و اندیشه‌ی ایشان بوده است و من در قامت شاگردی علاقه‌مند از راهنمایی‌های وی برخوردار بوده‌ام.

دیر زیاد آن بزرگوار خداوند

مرتضی رزاقپور